

فرقهٔ دموکرات (عامیون اجتماعيون) در دورهٔ دوم مجلس شورای ملی در ۱۳۲۸ قمری به تشویق ناصرالملک نایب‌السلطنه که عقیده داشت مشروطیت بدون وجود احزاب بی‌معنی است تأسیس شده بود و فعالیت آن تا اواخر دورهٔ سوم تقنینیه و واقعهٔ مهاجرت ادامه داشت. دورهٔ دوم فعالیت فرقهٔ دموکرات در سال ۱۳۳۷ قمری همزمان با بازگشت تعداد زیادی از مهاجران از غرب و استانبول آغاز شد که به مخالفت با قرارداد وثوق‌الدوله پرداختند ولی به دو گروه تشکیلی و ضدتشیکی تقسیم شدند. در دورهٔ چهارم مجلس رهبران فرقهٔ دموکرات و اعتدال به مقتضای زمان صلاح در این دیدند که با یکدیگر ائتلاف کنند و حزبی به نام سوسیالیست تشکیل دهند که در واقع جانشین دو حزب دموکرات و اعتدال گردید. حزب مزبور به رهبری سلیمان میرزا اسکندری تلاش زیادی در راه زمامداری سردار سپه کرد و در نخستین کابینهٔ وی در آبان ۱۳۰۲ سه پست وزارت به‌دست آورد.

در تابستان ۱۳۲۳ به منظور تشکیل هستهٔ مرکزی حزب دموکرات نشست‌هایی با حضور افراد زیر تشکیل گردید:

نصرالله جهانگیر، حاج رضا ملکی، مهندس ناصح ناطق، اسماعیل یکانی، اسماعیل امیرخیزی، دکتر حسن عظیمی، عبدالله فرامرزی، شاهزاده مجید فیروز، میرزا علی اکبر ساعت‌ساز، عبدالرحیم نبهی، محمدعلی فرودی، غلامرضا آزاد، حسین جودت.

افراد مزبور طی چند جلسهٔ مرامنامه و نظامنامهٔ حزب را با مقتضیات روز تطبیق دادند که به تصویب هیئت مؤسس رسید و طبع و نشر گردید و نکات جدیدی در آن گنجانده شد.

در این هنگام حزب توده در اوج قدرت بود ولی اختلاف‌نظرهایی میان رهبران حزب با سیدجعفر پیشه‌وری و دکتر سلام‌الله جاوید و عده‌ای از همفکران آنان داشت. پیشه‌وری مدیر

تاکنون تحقیق دقیق و جامعی دربارهٔ «جمعیت عامیون ایران» که در سال ۱۳۲۷ به رهبری سید حسن تقی‌زاده تأسیس شد و به مدت ۱۴ سال به فعالیت در صحنهٔ سیاست ایران پرداخت به‌عمل نیامده است. از آنجا که پاره‌ای از رهبران جمعیت مزبور عضو سازمان فراماسونری بودند و در لژهای گوناگون آن شرکت داشتند، در اغلب کتابها، رساله‌ها و مقاله‌ها «جمعیت عامیون» شعبه‌ای از فراماسونری بین‌المللی قلمداد شده است، در حالی که بسیاری از اعضای آن که رابطه‌ای با فراماسونری نداشتند در آغاز نهضت ملی شدن صنعت نفت از جمعیت عامیون کناره‌گیری کردند و حتی در دولت ملی دکتر مصدق مشاغلی را پذیرا شدند. در این مقاله پیشینهٔ تشکیل جمعیت عامیون، مرامنامهٔ آن و شمّه‌ای از فعالیت‌های آن تا سال ۱۳۴۰ که به دستور شاه در آستانهٔ «انقلاب سفید» منحل گردید، شرح داده می‌شود.

به دنبال استعفای رضاشاه و اشغال ایران بوسیلهٔ نیروهای متفقین، همهٔ افرادی که در دورهٔ بیست‌ساله به عنوان گوناگون بر خلاف سیاست روز اقدام کرده و زندانی شده بودند مورد عفو قرار گرفتند و بدون هرگونه تشریفات از زندان آزاد شدند و با شور و حرارت زیاد مشغول فعالیت سیاسی گردیدند و در صدد تأسیس احزاب گوناگون برآمدند.

### احیای حزب دموکراتِ صدر مشروطه

در اوایل سال ۱۳۲۳، شماری از اعضای حزب دموکرات صدر مشروطه گردهم آمدند و تصمیم گرفتند فرقهٔ دموکرات را که نخستین حزب آزادیخواه و میهن‌پرست ایران بود و در گذشته خدمات گرانبهایی به مشروطیت کرده بود برای بار سوم احیا و سازمان آن را تجدید کنند.

## جمعیت

## عامیون ایران

گروهی آزادبخواه

میهن پرست یا

فراماسونرهای

آنگلوفیل؟

نوشتهٔ دکتر عبدالرضا

هوشنگ مهدوی

استاد علوم سیاسی دانشگاه

امام صادق(ع)

تشکیل داد و به قیام در برابر حکومت مرکزی دست زد و عملاً زمینه جدایی استان آذربایجان از ایران را فراهم ساخت.

به موجب اسناد و پرونده‌های وزارت خارجه شوروی سابق که اخیراً در دسترس پژوهشگران قرار گرفته است، اقدامات پیشه‌وری از سوی کمیته‌ای مرکب از استالین، مولوتف و بریا هدایت می‌شده که دستورالعمل‌های خود را به میرجعفر باقروف صدر کمیته مرکزی حزب کمونیست آذربایجان قفقاز اطلاع می‌داده‌اند و او به پیشه‌وری ابلاغ می‌کرده است.

### حزب دموکرات قوام‌السلطنه

قوام‌السلطنه نخست‌وزیر وقت پس از آنکه در ۱۵ فروردین ۱۳۲۵ موافقتنامه‌ای در سه ماده با سادچیکف سفیر جدید شوروی امضا کرد و در ازای اعطای امتیاز نفت شمال - به شرط تصویب مجلس - و تخلیه خاک ایران از قوای شوروی، با حل مسألت آمیز مسئله آذربایجان موافقت کرد، مشغول چانه‌زدن با پیشه‌وری درباره تقاضاهای او شد. قوام به منظور مقابله با فشارهای حزب توده که بی‌قیید و شرط از تقاضاهای پیشه‌وری پشتیبانی می‌کرد، بدون هرگونه مقدمه در ۸ تیر ۱۳۲۵ ضمن یک سخنرانی رادیویی تشکیل حزبی به نام دموکرات ایران را اعلام کرد و کمیته‌های آن را انتخاب نمود و با سرعتی شگفت‌آور به تأسیس شعبه‌های حزب در پایتخت و شهرستانها پرداخت.

هدف از تشکیل حزب دموکرات قوام‌السلطنه اولاً تقویت موضع نخست‌وزیر و ثانیاً مبارزه با حزب توده و گلاویز شدن با اعضا و طرفدارانش در خیابانها و برهم زدن تظاهرات آنها بود. در این هنگام ابوالحسن حائری‌زاده از جانب حزب دموکرات قوام با کمیته مرکزی فرقه دموکرات تماس گرفت و تقاضا کرد به حزب دموکرات قوام ملحق شوند که پاسخ مثبت نشنید

روزنامه آژیر که از رد شدن اعتبارنامه‌اش در مجلس چهاردهم سخت خشمگین بود، اعضای فراکسیون پارلمانی حزب توده را متهم می‌کرد که به اندازه کافی از اعتبارنامه او در مجلس دفاع نکرده‌اند. وی در تماسهایی با رهبران حزب دموکرات به ورود در این حزب ابراز تمایل نمود. تقاضای عضویت پیشه‌وری در کمیته ایالتی حزب دموکرات پذیرفته شد و رفقای او نیز به تدریج وارد حوزه‌های حزبی شدند.

هدف پیشه‌وری و رفقای همفکرش این بود که رهبری حزب نوبنیاد دموکرات را در دست گیرند و آن را در اجرای مقاصد خود به کار ببرند. از این رو در بلو ورود به حزب سخت در حوزه‌ها فعالیت می‌کردند و به تبلیغ عقاید و نظرات تند کمونیستی می‌پرداختند که موردپسند بسیاری از اعضای حزب نبود.

در پاییز ۱۳۲۳ که مسئله تقاضای امتیاز نفت شمال ایران از جانب دولت شوروی مطرح شد و سرگئی کافتارادزه معاون وزیر خارجه شوروی به تهران آمد، این مسئله در حوزه‌های حزب دموکرات نیز مطرح گردید. مخالفان با اعطای امتیاز نفت در حوزه‌ها اکثریت داشتند و در بسیاری موارد مخالفتها از حدود بحث و گفت‌وگو خارج و به زدوخورد تن به تن اعضا منجر می‌شد.

در رأس موافقان اعطای امتیاز به روسها، پیشه‌وری عضو کمیته ایالتی قرار داشت که چندبار در کمیته پیشنهاد نمود به نفع روسها اقدام و درباره لزوم اعطای امتیاز نفت شمال به روسها میتینگی از طرف حزب دموکرات برپا شود. ولی کمیته مزبور به این پیشنهاد ترتیب اثر نداد و در نتیجه پیشه‌وری و همفکرانش با قهر و تعرض از حزب دموکرات کناره گرفتند.

چندی نگذشت که سروکله پیشه‌وری در تبریز پیدا شد و در ۱۲ شهریور ۱۳۲۴ از اعضای حزب توده در آذربایجان و جمعی عناصر ترک و قفقازی فرقه‌ای به نام دموکرات

○ در بسیاری از کتابها، رساله‌ها و مقاله‌ها «جمعیت عامیون» شعبه‌ای از فراماسونری بین‌المللی قلمداد شده است، در حالی که شمار زیادی از اعضای آن رابطه‌ای با فراماسونری نداشتند و در کابینه دکتر مصدق شرکت جستند.

و به او گفته شد دموکراتهای قدیم به حزبی که ریشه آن در طبقات مردم نباشد و از آنان سرچشمه نگیرد معتقد نیستند.

حزب دموکرات قوام در اندک زمانی روزنامه ارگان خود را هم به نام دموکرات منتشر کرد درحالی که امتیاز روزنامه مزبور بوسیله مهندس ناطق به منظور انتشار به عنوان ارگان فرقه دموکرات ایران گرفته شده بود. طرفداران قوام السلطنه با تهدید و تطمیع هم نتوانستند موافقت مهندس ناطق را در واگذاری امتیاز روزنامه دموکرات جلب کنند.

### تأسیس جمعیت عامیون<sup>۳</sup>

از این تاریخ زعمای فرقه دموکرات تصمیم گرفتند با توجه به این که هم پیشه‌وری و هم قوام السلطنه نام احزاب ساختگی خود را «دموکرات» گذاشته بودند، نام فرقه خود را به «جمعیت عامیون ایران» تغییر دهند و این کار در پاییز ۱۳۲۶ صورت گرفت.

پس از ختم غائله آذربایجان و افتتاح مجلس پانزدهم، رهبران جمعیت عامیون از سیدحسن تقی‌زاده که پس از شش سال سفارت در انگلستان به ایران بازگشته و به نمایندگی مجلس شورای ملی از تبریز انتخاب شده بود، دعوت کردند که در جلسه آنان سخنرانی کند. تقی‌زاده در سخنرانی ۱۲ تیر ۱۳۲۷ خود در نشست عمومی جمعیت عامیون اظهار داشت:

تا آنجایی که من می‌دانم این حزب که خود را عامیون یعنی دموکرات نامیده است حقیقتاً پیرو آن طریقت است و این لفظ تنها لقبی نیست که چنانچه اخیراً رسم شده است که هم بلغارستان و هم فتنه‌جویان آذربایجان در دو سه سال قبل و هم مخالفین آنها در تهران (که ایل قشقایی هم با یک تلگراف دسته‌جمعی به آنها ملحق و دموکرات شدند و خود را به این اسم نامیدند) بر خود نهادند. و این جای

افسوس است و شاید همین اختلاط سبب شده که حزب دموکرات حقیقی از آن کلاً دست برداشته و ترجمه فارسی آن یعنی عامیون را پذیرفته است.

زعمای جمعیت عامیون با توجه به شهرتی که تقی‌زاده در مشروطه‌خواهی داشت و خدماتی که در تدوین قانون اساسی و متمم آن کرده بود و افزون بر آن مدتی نیز رهبری همین فرقه دموکرات را در صدر مشروطیت برعهده داشت، چنین مصلحت دانستند که از وی تقاضا نمایند رهبری جمعیت را بپذیرد. این تقاضا مورد قبول تقی‌زاده واقع شد با این شرط که هیئتی با نظر وی تشکیل شود و در مرامنامه و نظامنامه موجود تجدیدنظر به عمل آورد. این کار طی چند هفته انجام شد و مرامنامه و نظامنامه جمعیت در ۲۰ آذر ۱۳۲۷ منتشر گردید. در مقدمه مرامنامه جمعیت آمده است:

جمعیت عامیون ایران که از قریب ده ماه پیش به این طرف با همکاری و همدستی عده‌ای از اشخاص راسخ در خیرخواهی مملکت و طرفداران جدی اصلاحات حقیقی و حسن جریان امور عامه مملکت تأسیس و به تدریج تشکیل یافته و در چند ماه اخیر طرح تشکیلات و شالوده کار آن از طرف مجمع مؤسسین ریخته شده و شور در آن به پایان رسیده است، جمعیتی است که مؤسسین آن از هر نوع غرض و بستگی و تعصب کاملاً مبری بوده و علاقه‌مندی قلبی شدید و پرشوری به خیر طبقه عامه و محروم از امتیازات و فقیر یا متوسط این مملکت دارند و حاضرند با هر فرد و جماعتی که از هوی و اغراض شخصی عاری و با تقوی و پاک بوده و به وطن دوستی خالص با ایمان باشند همدستی و کار کنند و این معاضدت و مجاهدت مشترک برای اصلاحات باید بر روی اصولی باشد که متضمن همان مقاصد اساسی بوده باشد.

○ اسناد و پرونده‌های وزارت خارجه شوروی سابق نشان می‌دهد که اقدامات پیشه‌وری در ایران را کمیته‌ای مرکب از استالین، مولوتف و بریا هدایت می‌کرده است. دستورهای این کمیته از طریق میرجعفر باقروف صدر کمیته مرکزی حزب کمونیست آذربایجان قفقاز به پیشه‌وری ابلاغ می‌شده است.

تبعید شد و حکومت نظامی برقرار گردید. اما نسبت به جمعیت عامیون هیچ تعرضی به عمل نیامد و جمعیت توانست کمیته مرکزی و ۶۱ حوزه خود را تأسیس کند. از رجال و افراد سرشناسی که نظارت بر حوزه‌ها را عهده‌دار بودند، می‌توان افراد زیر را نام برد:

سیدحسن تقی‌زاده، ابراهیم حکیمی (حکیم‌الملک)، مختارالملک صبا، نصرت‌الله امینی، محمود عرفان، اسماعیل یکانی، ابوالقاسم نجم (نجم‌الملک)، محمدعلی مافی (نظام‌السلطنه)، مهندس غلامعلی میکده، دکتر جمشید مفخم، باقر کاظمی (مهدب‌الدوله)، دکتر ابوالحسن ملکی، حسین تقوی، باقر شاهرودی، اسماعیل امیرخیزی، نصرالله جهانگیر، مجید فیروز، دکتر پرویز کاظمی، مهندس ناصح ناطق، مهدی بامداد، ابوالحسن حکیمی، هادی اشتیری، ناصرقلی اردلان، مهندس کریم طاهرزاده بهزاد.

از میان اعضای جمعیت عامیون نیز رجال و شخصیت‌های سیاسی زیر قابل ذکرند:

عباس آریا، علی اویسی، احمد فرامرزی، مهندس دفتریان، غلامعلی تربیت، مخبر فرهمند، دکتر حسین رفاعی، موسی شیبانی (ذکاء‌السلطنه)، مهندس علی اکبر نجم، اسدالله آل‌بویه، دکتر عبدالحسین طبا، آقاخان بختیار، امین‌التجار اصفهانی، مهندس مجید اعلم، ابوالفتح خطاطان، دکتر علی اکبر شیبانی، دکتر غلامرضا شیخ، مهندس محسن فروغی، دکتر قاسم قاسم‌زاده، دکتر جهانشاه صالح، دکتر علیقلی اردلان، دکتر عبدالله شیبانی، جلال همائی، عبدالله فرامرزی، مسعود سالور، دکتر حسن علوی، محمود هدایت، ارباب رستم‌گیو، محمدرضا خرازی، دکتر برزگر، محمدجعفر محلوجی، محمدحسین ادیب، دکتر سعیدمالک (لقمان‌الملک)، ساعدالملک خلعتبری، جمال‌الدین تقوی، دکتر یوسف مجتهدی، علی

اصول سیاسی و مقاصد جمعیت به شکل مرامنامه‌ای تنظیم شده است که در واقع مبانی آن عبارت از سه اصل است: یکی وطن دوستی و مراقبت صددرد از منافع و مصالح عالی و حقیقی ایران. دوم دفاع از منافع شخصی و طبقه‌ای. سوم حفظ حقوق و منافع طبقات عامه و فقیر و زحمت کش و سعی در تأمین رفاه اقتصادی و جسمی و روحی آنها.

پس از انجام تشکیلات و پی‌افکندن مرامنامه و نظامنامه جمعیت که وارث حزب دموکرات قدیم دوره‌های اول مشروطیت ایران بود، پاره‌ای از احزاب که تشکیلات منظم و وسیعی در تهران و بعضی ولایات داشتند و پیرو همین اصولی بوده‌اند که این جمعیت مرام خود اتخاذ نموده نیز خوشبختانه تصمیم گرفتند که جمعاً به این جمعیت ملحق شوند و این التحاق خود را در تاریخ ۲۰ آذرماه ۱۳۲۷ اعلام نمودند و اینک جمعیت عامیون ایران ورود خود را به میدان عمل در تاریخ پانزدهم بهمن ماه سال ۱۳۲۷ هجری شمسی اعلام می‌کند.

نکته جالب توجه در سه اصل مرامنامه جمعیت «دفاع و فداکاری از منافع شخصی و امتیازات جمعی و طبقه‌ای است» که در مرامنامه هیچ یک از احزاب و سازمانهای سیاسی ایران دیده نشده است.

### آغاز فعالیت جمعیت عامیون

۱۵ بهمن ۱۳۲۷ مصادف با روزی بود که در دانشگاه تهران به جان شاه سوءقصد شد و به دنبال آن حزب توده غیر قانونی اعلام و آیت‌الله کاشانی دستگیر و به قلعه فلك الافلاك

○ پیشه‌وری عضو  
کمیته ایالتی حزب نوبنیاد  
دموکرات در رأس موافقان  
اعطای امتیاز نفت شمال  
ایران به شوروی قرار داشت  
و هنگامی که پیشنهادش  
برای برگزاری تظاهراتی از  
سوی حزب دموکرات در  
پشتیبانی از اعطای امتیاز  
پذیرفته نشد، از حزب  
کناره گرفت.

در آنجا انتخاب می‌کرد و این کمیته‌ها تا تجدید انتخاب از طرف شورای محلی به ترتیب مقرر برای کمیته ایالتی تهران عنوان موقتی داشتند. جمعیت عامیون چهار کمیسیون نیز داشت که اعضای آن از سوی کمیته مرکزی تعیین می‌شدند:

الف: کمیسیون تدارکات مأمور تهیه وسایل مادی برای جمعیت مرکب از ۵ تا ۷ نفر؛

ب: کمیسیون تشکیلات برای گسترش فعالیت جمعیت در ولایات مرکب از ۱۰ تا ۱۵ نفر؛

ج: کمیسیون مطبوعات برای نظارت بر امور مطبوعاتی و انتشاراتی جمعیت مرکب از ۳ تا ۵ نفر؛

د: کمیسیون تصفیه برای تصفیه جمعیت و اخراج عناصر مضر و خلافکار یا نامناسب مرکب از ۵ تا ۷ نفر.

۴- شورای جمعیت مرکب از اعضای کمیته ایالتی تهران و کمیسیونهای چهارگانه نامبرده در بالا و فراکسیون پارلمانی و تعدادی دیگر از اعضای جمعیت از ۱۲ تا ۳۰ نفر به انتخاب کمیته مرکزی بود. اعضای کمیته مرکزی حق حضور و شرکت در مذاکرات شوری را داشتند. وظیفه شوری بطور کلی تبادل نظر و بحث درباره مسایل مهم و وسایل توسعه و تقویت جمعیت و برگزاری مجالس سخنرانی برای اعضاء و سعی در رفع اختلافات ممکن الوقوع میان اعضاء و بحث درباره تدابیر عملی مبارزه (تاکتیک) بود. شوری هر ماه دست کم یک بار تشکیل می‌شد و نتیجه مذاکرات خود را به کمیته مرکزی تسلیم می‌کرد.

۵- فراکسیون پارلمانی یا شعبه جمعیت در مجلس عبارت بود از مجموع اعضای جمعیت که سمت نمایندگی در مجلس شورای ملی (و بعداً مجلس سنا) را داشتند. فراکسیون روش عملی خود را در مبارزات با مشورت کمیته مرکزی تعیین می‌کرد و چنانچه اعضای آن

اصغر زرین کفش، مهدی صدرزاده، فتح‌الله اخگر، عباسقلی عرب شیبانی، مهندس جمال گنجی، مهندس رضا گنجه‌ای (مدیر باباشمل)، فتح‌الله بنی‌صدر، ابوالحسن صدیقی، سلطان حسین رخشانی، حسنعلی رخشانی، دکتر حسین خطیبی، نصرالله فلسفی، سعدالله درویش، حسن ناصر، عبدالعلی لطفی، عبدالحسین نوائی، نصرالله لاهوتی، علی اکبر امامی اهری، حسن نبوی، حبیب‌الله آموزگار، نظام‌الدین غفاری، اسدالله کههد...

روزنامه خاور به مدیریت احمد فرامرزی ارگان جمعیت عامیون بود که در شماره‌های متعدد خود به تشریح و تفسیر مواد مرامنامه جمعیت می‌پرداخت.

### تشکیلات جمعیت عامیون

تشکیلات جمعیت عبارت بود از کمیته مرکزی، کمیته ایالتی تهران، کمیته‌های محلی ولایات و شورای جمعیت در تهران و کمیسیونهای دایمی و موقتی در تهران و گروه پارلمانی جمعیت در مجلس.

۱) کمیته مرکزی از هفت تا نه عضو تشکیل می‌شد که اداره همه امور جمعیت به عهده آن محول شده بود. کمیته یک رئیس و یک منشی کل داشت. منشی کل ریاست دبیرخانه جمعیت را متکفل بود.

۲) کمیته ایالتی تهران مرکب بود از ۶ تا ۲۴ نفر از اعضای جمعیت. انتخاب شش نفر اول به این نحو انجام می‌گرفت که مجمع مؤسسین ۱۲ نفر را انتخاب و به کمیته مرکزی پیشنهاد می‌کرد و کمیته ۶ نفر از آنان را برای این کار برمی‌گزید.

۳) برای تشکیل کمیته‌های موقتی محلی ولایات نیز بدو از جانب هیئت اولیه مؤسسین محلی عده‌ای انتخاب و به کمیته مرکزی پیشنهاد می‌شدند و کمیته مرکزی از میان آنها چند نفر را متناسب با بزرگی ناحیه و عده اعضای جمعیت

○ هدف از تشکیل حزب دموکرات قوام السلطنه (یا در واقع سومین حزب دموکرات)، اولاً تقویت موضع نخست‌وزیر و ثانیاً مبارزه با حزب توده و سرکوب آن بود.

تشکیل يك فراکسیون رسمی و مستقل را در مجلس صلاح نمی‌دانستند، شرکت آنها در يك فراکسیون دیگر غیر حزبی مجلس که اعضای آن کم و بیش متجانس یا قریب‌المسلك با آنها بودند، مجاز بود مشروط بر این که در کلیات امور رشته کار از دست اعضای جمعیت در مجلس خارج نشود.

۶- حوزه‌ها. کمیته ایالتی تهران و همچنین هر يك از کمیته‌های ولایات حوزه‌هایی با شرکت دست کم ۵ نفر از اعضای جمعیت برای تبلیغ و دعوت و جمع‌آوری اعضای جدید تشکیل می‌دادند.

۷- کنگره که مقرر شده بود در اردیبهشت ماه ۱۳۳۰ و پس از آن هر سال در همان ماه در تهران تشکیل شود و هر صد نفر از اعضای جمعیت در تهران و هر ۵۰ نفر در ولایات يك نفر را برای شرکت در کنگره انتخاب کنند. وظایف کنگره عبارت بود از انتخاب اعضای جدید کمیته مرکزی به استثنای سه نفر عضو اولیه آن؛ انتخاب کمیسیونها و شورای جمعیت؛ بحث درباره عملیات گذشته و تصمیم درباره خط‌مشی آینده جمعیت؛ جرح و تعدیل و تفسیر مواد مرامنامه و نظامنامه در صورت لزوم.

شایان ذکر است که تعداد اعضای جمعیت عامیون هیچ‌گاه از سیصد الی چهارصد نفر تجاوز نکرد. در مورد تشکیل کنگره جمعیت نیز هیچ سندی به دست نیامد.

## نقش عامیون در رویدادهای سیاسی

### کشور

محمدرضاشاه واقعه ۱۵ بهمن ۱۳۲۷ را برای تحکیم قدرت خود مغتنم شمرد و در اسفند ماه آن سال تقی‌زاده و سایر اعضای کمیته مرکزی را به حضور پذیرفت و نظرات خود را درباره تشکیل مجلس مؤسسان به‌منظور

تجدیدنظر در اصل ۴۸ قانون اساسی و تفویض اختیار انحلال مجلسین با آنان در میان گذاشت. همچنین تأسیس مجلس سنارا که در ابتدای مشروطیت مورد مخالفت آزادیخواهان بود مطرح کرد و به آنان وعده عضویت در مجلس سنای آینده را داد. اعضای کمیته مرکزی جمعیت نظرات شاه را تأیید و او را به این کارها تشویق نمودند. تقی‌زاده در زندگی طوفانی می‌نویسد: «شاه حق داشت. رئیس مملکت باید این حق را داشته باشد. با من هم مرتباً صحبت می‌کرد.» در نتیجه مجلس مؤسسان در اول اردیبهشت ۱۳۲۸ به ریاست سیدمحمد صادق طباطبایی در سرسرای کاخ دادگستری تشکیل شد و به اصلاح اصل ۴۸ قانون اساسی و الحاق يك اصل به قانون اساسی رأی داد. در همان ماه، مجلس شورای ملی نیز آئین‌نامه تشکیل مجلس سنارا تصویب کرد.

در اول تیرماه ۱۳۲۸ قانونی از تصویب مجلس گذشت و هیئتی مرکب از هفت نفر به نام هیئت تصفیه پیش‌بینی گردید که در ظرف يك سال ادارات دولتی را تصفیه کند و حدود وظایفش بدین‌سان تعیین شد:

الف - تعیین عده لازم و ضروری کارمندان که با احتیاجات واقعی سازمانهای دولتی باید در خدمت باقی بمانند.

ب - تعیین کارمندانی که وجود آنها لازم نیست ولی ممکن است در کارهای تولیدی و فرهنگی و انتفاعی از وجود آنها استفاده کرد.

ج - تعیین کارمندانی که وجود آنها برای دولت مفید نبوده و مشمول قانون بازنشستگی هم نیستند.

در آغاز کار، اعضای هیئت تصفیه عبارت بودند از محمد سروری، اسدالله ممقانی، نصرالله صبا، عبدالعلی لطفی، سیداحمد امامی، باقر شاهرودی و محسن قریب که بیشترشان عضو جمعیت عامیون بودند.

پس از استعفای پاره‌ای از اعضاء، به تدریج

### در نخستین انتخابات

مجلس سنا، از پانزده سناتور انتخابی تهران هشت نفر عضو جمعیت عامیون بودند. بدین‌سان شاه به قولی که در اسفند ۱۳۲۷ به اعضای کمیته مرکزی جمعیت داده بود وفا کرد.

هزار کارمند دارد. اجرای تصمیمات هیئت تصفیه که تنها شامل ۹۰۰ نفر می‌باشد تبعیضی ظالمانه است» و در بسیاری موارد نیز کارهای هیئت تصفیه را خارج از حدود وظایفش می‌دانستند. ولی اقلیت که متشکل از نمایندگان جبهه ملی بود می‌گفت برای رفع ظلم از کسانی که به ناحق در بند تصفیه افتاده‌اند مجلس حق تجدیدنظر قایل گردد و مقررات قانون تصفیه تمسید و به تدریج درباره عموم کارمندان دولت به کار بسته شود.

سرانجام مجلس شورای ملی در ۲۶ شهریور ۱۳۲۹ به موقوف الاجرا ماندن تصمیمات هیئت تصفیه رأی داد و تلاش جمعیت عامیون در این باره به شکست انجامید.

در نخستین انتخابات مجلس سنا، از پانزده سناتور انتخابی تهران هشت نفرشان عضو جمعیت عامیون بودند: نصرالملک هدایت، دکتر سعید مالک، ابراهیم حکیمی، سیدحسن تقی‌زاده، ابوالقاسم نجم، حسین نقوی، محمد سروری، دکتر قاسم‌زاده. در واقع شاه به قولی که داده بود وفا کرده بود.

اما در مجلس شورای ملی اعضای جمعیت عامیون اقلیت بسیار کوچکی را تشکیل می‌دادند و بنابراین صلاح ندانستند فراقسیون مستقلی تشکیل دهند. در عوض در مجلس سنا با انتخاب تقی‌زاده به ریاست مجلس و در دست گرفتن اختیار کمیسیونهای مختلف آن، سنا را به صورت سنگری برای مبارزه با دکتر مصدق و جبهه ملی در آوردند. دشمنی دکتر مصدق با تقی‌زاده معروف بود و سابقه دیرینه داشت. مصدق طی نطقی در ۷ آبان ۱۳۲۳ در مجلس چهاردهم درباره مسئله نفت و نقش تقی‌زاده در امضای قرارداد ۱۹۳۳ گفته بود: «تاریخ عالم نشان نمی‌دهد که یکی از افراد مملکت به وطن خود در يك معامله ۱۶ میلیارد و ۱۲۸ میلیون ریال ضرر زده باشد و شاید مادر روزگار دیگر نزاید کسی را که به بیگانه چنین خدمتی کند.»

تغییراتی در هیئت تصفیه روی داد و آخرین اعضای آن این اشخاص بودند: دکتر محمد سجادی رئیس، دکتر هومن، اسماعیل یکانی، عبدالعلی لطفی، باقر شاهرودی و مهدی شاهرخ.

هیئت تصفیه چند هفته پیش از پایان يك سال که مدت قانونی کار هیئت بود نسبت به قریب نهصد نفر از کارمندان و مقامات عالی‌رتبه دولت تصمیم خود را گرفت و فهرست اسامی آنان را در پاکت لاک و مهر شده تسلیم منصورالملک نخست‌وزیر وقت کرد. منصور چون آدم زیرک و محافظه‌کاری بود از باز کردن پاکت و افشای اسامی فهرست خودداری کرد و روز پنجم تیر ۱۳۲۹ که مستعفی شد پاکت سر بسته را عیناً به سپهد رزم‌آرا جانشین خود تسلیم کرد.

رزم‌آرا جمعی از تصفیه‌شدگان را برای آن که آبرویشان نریزد به تقاضای خودشان باز نشسته کرد و سپس در ۱۴ شهریور فهرست را منتشر نمود و جنجالی بزرگ بر ضد خود برانگیخت. او خود قانون تصفیه را خلاف اصول و ظالمانه می‌دانست و به آن معتقد نبود و بخصوص پس از برخورد با نام کسانی چون قوام‌السلطنه، تدین، بدر، دکتر مشرف نفیسی، سردار فاخر حکمت، دکتر اقبال، اعتبارالدوله، مورخ الدوله سپهر، سهیلی، سپهد شاه‌بختی و خسرو هدایت در اتخاذ تصمیم درماند و برای بررسی قانونی آن را در اختیار بوذری وزیر دادگستری قرار داد که خودش هم مشمول بند ب قانون تصفیه شده بود. بوذری پس از مشورت با جمعی از قضات دادگستری تصمیم‌های هیئت تصفیه را مغایر اصل ۸۱ قانون اساسی تشخیص داد و گزارشی به نخست‌وزیر تسلیم کرد.

رزم‌آرا بر مبنای گزارش بوذری برای اجرای تصمیم‌های هیئت تصفیه، از مجلس شورای ملی رهنمود خواست و لایحه‌ای به مجلس تقدیم کرد.

در مجلس اکثریت با تصمیم‌های هیئت تصفیه مخالف بودند و می‌گفتند «دولت ۱۵۸

○ موضع‌گیری تقی‌زاده و مجلس سنا در برابر دکتر مصدق و جبهه ملی سبب شد که در صفوف جمعیت عامیون شکاف افتد و از پاییز ۱۳۲۹ رفته‌رفته شماری از اعضای آن که با ملی شدن صنعت نفت موافق بودند از جمعیت کناره‌گیری کنند.

موضوع گیری تقی زاده و مجلس سنا در برابر دکتر مصدق و جبهه ملی سبب شد که در صفوف جمعیت عامیون شکاف افتد و از پائیز ۱۳۲۹ به تدریج شماری از اعضای آن که موافق با ملی شدن صنعت نفت بودند از جمعیت کناره گیری کنند که از جمله آنان باقر کاظمی، نجم الملک، سروری، نقوی، نصرت الله امینی، عبدالعلی لطفی و مهندس ناصح ناطق را می توان نام برد. در ۹ اردیبهشت ۱۳۳۰ که دکتر مصدق کابینه خود را تشکیل داد باقر کاظمی وزارت امور خارجه و عبدالعلی لطفی وزارت دادگستری را عهده دار شدند. سناتورها نجم الملک و سروری و نقوی عضویت هیئت مختلط مأمور خلع ید از شرکت نفت انگلیس و ایران را پذیرفتند و نصرت الله امینی به کفالت شهرداری تهران منصوب شد.

با این همه نمایندگان مجلس و سناتورهایی که عضو جمعیت عامیون و پیرو تقی زاده بودند همچنان به مخالفت با دولت مصدق و کارشکنی می پرداختند. در خرداد ۱۳۳۱ که مصدق پس از گشایش مجلس هفدهم استعفا کرد، سناتورهای عضو جمعیت عامیون از دادن رأی تمایل به نخست وزیری مجدد دکتر مصدق خودداری کردند و در تیرماه آن سال به زمامداری قوام السلطنه رأی مثبت دادند. مصدق پس از واقعه ۳۰ تیر ۱۳۳۱ و بازگشت به نخست وزیری، با صوابدید آیت الله کاشانی ناچار شد در اول آبان ۱۳۳۱ مجلس سنا را منحل کند و به فعالیتهای زیان بخش آن پایان دهد.

از این تاریخ تا کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، جمعیت عامیون در مبارزه با دکتر مصدق ناتوان بود و تنها روزنامه های طرفدار آن به هتاکی به نخست وزیر ملی ادامه می دادند. اما پس از کودتا جمعیت عامیون باز به فعالیت پرداخت و رهبران آن اصرار داشتند که مجلس سنای منحل دوبره تشکیل شود. تقی زاده تلاش فراوانی در این راه کرد ولی شاه زیر بار نرفت و طی فرمانی در ۲۸ آذر ۱۳۳۲ مجلس هفدهم و دوره اول سنا را يك

جا منحل کرد.

هنگامی که به تقی زاده پیشنهاد شد ریاست دوره دوم مجلس سنا را بپذیرد، او زیر بار نرفت و گفت من به اندازه کافی برای امضای قرارداد نفت ۱۹۳۳ فحش شنیده ام و حاضر نیستم ریاست مجلسی را بپذیرم که مأمور است قرارداد با کنسرسیوم نفت را تصویب کند. بنابراین یکی دیگر از اعضای جمعیت عامیون یعنی حکیم الملک به مدت يك سال به ریاست سنا برگزیده شد و همین که قرارداد با کنسرسیوم در شهریور ۱۳۳۳ به تصویب مجلسین رسید، جای خود را به تقی زاده رهبر جمعیت سپرد که تقریباً تا پایان عمرش در ۱۳۴۸ این سمت را برعهده داشت.

جمعیت عامیون تا سال ۱۳۴۰ و زمامداری دکتر امینی فعالیت می کرد ولی در این هنگام چون تعدادی از سران آن با اصلاحات ارضی مخالف بودند، شاه دستور انحلال آن را صادر کرد. با این همه تا پایان رژیم پهلوی چند تن از اعضای آن کرسیهای مجلس سنا و شورای ملی را در اختیار داشتند. بدین سان حزبی که در صدر مشروطیت مرام سوسیال دموکراسی را برگزیده و از پشتیبانی مردمی برخوردار بود، در پایان تبدیل به گروهی راستگرای افراطی شد که با دل و جان از رژیم پهلوی دفاع می کرد.

### منابع:

۱. حسین جودت، از صدر مشروطیت تا انقلاب سفید: تاریخچه فرقه دموکرات یا جمعیت عامیون ایران، تهران ۱۳۴۸.
۲. ایرج افشار، زندگی طوفانی سیدحسن تقی زاده، انتشارات علمی، تهران ۱۳۷۲.
۳. حسین کی استوان، سیاست موازنه منفی در مجلس چهاردهم، انتشارات روزنامه مطهر، تهران ۱۳۲۷.
۴. ابراهیم صفائی، نخست وزیران، انتشارات انجمن تاریخ، تهران ۱۳۵۱.
۵. باقر عاقلی، روز شمار تاریخ ایران، نشر گفتار، تهران ۱۳۷۲.

○ هنگامی که به تقی زاده پیشنهاد شد ریاست دوره دوم مجلس سنا را بپذیرد، او زیر بار نرفت و گفت به اندازه کافی برای امضای قرارداد نفت ۱۹۳۳ بد شنیده ام و حاضر نیستم ریاست مجلسی را بپذیرم که مأمور است قرارداد با کنسرسیوم نفت را تصویب کند.